

پرسشگری خداوند در قرآن کریم

(مطالعه موردی: سوره یس)*

- شهریار نیازی^۱
- طاهره گودرزی^۲

چکیده

پرسش و پرسشگری سهم والایی را در تعاملات انسانی به خود اختصاص داده است و مقوله پرسش هنری یا بلاغی نیز در این رابطه مطرح شده و می‌توان ایفای نقش آن را در زمینه‌های مختلف به ویژه بحث القای مطالب و آموزش مشاهده کرد. بنابراین به نظر می‌رسد که بررسی دقیق‌تر این موضوع در زبان به ویژه مطالعات قرآنی، راهگشای فهم بهتر از آموزه‌های قرآن کریم است. لذا مقاله زیر با بررسی آیاتی در قرآن که خداوند به عنوان گوینده، بشر یعنی مخاطب را در موضع پرسش قرار داده است، به بررسی مقوله پرسشگری در این آیات می‌پردازد و به سؤالاتی همچون چگونگی ابعاد و زوایای پرسشگری خداوند در قرآن کریم، چگونگی کاربرد آن‌ها در راستای مقاصد الهی و جایگاهشان در کلام وحی پاسخ می‌دهد. چارچوب سؤالات بلاغی و مفاهیم مرتبط با آن، مبنای این

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۳۱.

۱. استادیار دانشگاه تهران (sh.niazi@hotmail.com).

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (taherehgoodarzi@gmail.com).

نگرش را تشکیل می‌دهد. در این رابطه، پرسش‌های به کاررفته در سوره یس نیز به عنوان مطالعه موردی، بررسی خواهند شد و این نتیجه حاصل می‌شود که خداوند پرسش‌هایی را در قالب پرسش‌های هنری، با اهداف متعدد بلاغی و نه به عنوان ابزاری برای کسب اطلاعات بیان کرده است و به همین علت می‌توان او را به مثابه پرسشگری بزرگ با پرسش‌های هدفمند قلمداد کرد.

واژگان کلیدی: پروردگار، پرسش، پرسشگری، استفهام، پرسش هنری یا بلاغی، سوره یس، قرآن کریم.

مقدمه

پرسش به عنوان یکی از مقوله‌های پرکاربرد در تعاملات روزانه بشری، سهم والایی را در فرایند ارتباطات به خود اختصاص داده است. هنگامی که موضوع مورد بحث، قرآن کریم و ارتباط پروردگار با انسان باشد، اهمیت این امر بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، بررسی این موضوع یعنی هنر پرسیدن و بررسی پرسشگری خداوند از بندگانش خود در قرآن کریم، می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل از جمله جایگاه، نوع استفاده از آن‌ها در کلام وحی و چگونگی ماهیت این پرسش‌ها باشد. به همین علت، مقاله حاضر در پی آن است که با استخراج آیه‌هایی از کلام وحی که خداوند در مقام گوینده، پرسش‌هایی را به طور مستقیم یا از طریق آموزش به پیامبر مطرح کرده و بشر را خطاب قرار داده است، به این سؤال اصلی پاسخ دهد که ابعاد و زوایای پرسشگری خداوند در قرآن کریم به طور عام، و در سوره یس به طور خاص چگونه است؟ نیز کارکرد و جایگاه این پرسشگری چیست؟ آیا کارکرد اصلی پرسش یعنی کسب اطلاع از موضوعی خاص، در سخن وحی جایگاهی به خود اختصاص داده است؟ اهداف و مقاصد قابل برداشت در مجموعه پرسش‌هایی که توسط خداوند مطرح شده‌اند، چیست؟ در همین زمینه، برای تبیین بیشتر جنبه‌های این موضوع، سوره یس به عنوان موردی برای بررسی این گونه پرسش‌ها در نظر گرفته شده است. فرضیه مقاله حاضر آن است که خداوند پرسش‌هایی را در قالب پرسش‌های هنری، با اهداف متعدد بلاغی و نه به عنوان ابزاری برای کسب اطلاعات بیان کرده است و به همین علت می‌توان او را به مثابه پرسشگری بزرگ با پرسش‌های هدفمند قلمداد کرد که در این میان، انسجام پرسش‌ها با گفتمان حاکم بر آیات قبل و بعد به طور خاص قابل مشاهده است.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی درباره پرسش عموماً مقوله استفهام در قرآن انجام شده است که از آن جمله می‌توان به اسلوب الاستفهام فی القرآن الکریم غرضه - اعرابه^۱ اشاره کرد. در بسیاری از موارد، این مطالعات جنبه گفتمانی نداشته‌اند. با این حال در مواردی هم جنبه زبانی و گفتمانی بر برخی از این مطالعات حاکم بوده که در این زمینه می‌توان از پایان‌نامه تجزیه و تحلیل منظوره‌های ضمنی در مکالمات قرآن مجید^۲ یاد کرد. در همین حال، مطالعاتی نیز درباره پدیده پرسش و جایگاه آن در زبان و انواع متصور بر پرسش به عمل آمده است که می‌توان به مهارت ارتباط در تعاملات اجتماعی^۳ و نیز *Locutionary Forces of Interrogative Structures in English and Arabic*^۴ اشاره کرد. از سوی دیگر، پرسش هنری یا بلاغی در زبان نیز دستمایه تحلیل و بررسی‌های فراوانی بوده است. این نوع پرسش که از اهداف بلاغی متفاوتی غیر از کسب اطلاعات حکایت دارد، در آثار Lausberg (1967)، Leech (1973)، Cuddon (1979) و Quirk et al. (1972) دیده می‌شود. نقطه عطف این مطالعات، کورنلیا ایلی است که در سال ۱۹۹۴ مطالعه‌ای با عنوان *What Else Can I Tell You? A Pragmatic Study of English Rhetorical Questions as Discursive and Argumentative Acts* به عمل آورد و طی آن تعریف جدیدتر و گسترده‌تری از این نوع پرسش‌ها ارائه داد. لازم به ذکر است که پیش از این نیز کارهایی برای بررسی استفهام در قرآن کریم به صورت کلی انجام شده است، اما بیشتر آن‌ها جنبه گفتمانی ندارد. این مقاله در صدد است با توجه به این مطالعات و مطالعات دیگری که از مقوله پرسش بلاغی در امر آموزش بهره می‌گیرند (برای نمونه ر.ک: Dhiman, 2008)، این مقوله را در گفتمان وحی یعنی قرآن کریم بررسی نماید و با احصای آیاتی که طی آن‌ها خداوند به عنوان گوینده، بشر را مستقیماً مخاطب قرار داده است، در فهم بهتر قرآن کریم تلاش نماید و

۱. عبدالکریم محمود یوسف، دمشق، نشر مؤلف، ۲۰۰۰ م.

۲. محسن پیمانی، ۱۳۷۶ ش.

۳. اُون هارجی و همکاران، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، ۱۳۹۲ ش.

4. Tawfiq & Najim, 2005.

یافته‌هایی جدید از این مبحث در کلام الهی ارائه دهد.

مقوله پرسش و پرسشگری

پرسش نوعی کنش گفتار است که می‌تواند مستقیم یا غیر مستقیم باشد. پرسش در زندگی انسان اهمیت والایی دارد. در همین زمینه، استرک و شوارز عنوان می‌کنند که مهم‌ترین شکل تعامل انسانی، ارتباطی است که بر مبنای پرسش و پاسخ پی‌ریزی شود (نقل در: اُون هارجی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹). بنابراین می‌توان پرسش را یک تعامل اجتماعی دانست که به دنبال مطالبه اطلاعات یا انجام کاری است. کمتر گفتگویی را می‌توان یافت که در آن پرسش و پاسخ نباشد؛ زیرا جایگاه و کارکردهای متصور برای آن در ذهن و رفتار همه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه شناخته شده است.

شاید بتوان گفت که قابلیت انعطاف پرسش‌ها و داشتن کارکردی غیر از درخواست اطلاعات که اصلی‌ترین وظیفه آن‌ها به شمار می‌رود، در نیروی نهفته در ساختارهای استفهامی قرار دارد؛ زیرا از این طریق است که پرسش مثلاً به عنوان طلب و درخواست برای انجام کاری استفاده می‌شود. اما چگونه می‌توان یک پرسش حقیقی را از درخواست انجام کار شناسایی کرد؟ به نظر می‌رسد که در این زمینه باید بر اطلاعات زمینه‌ای مشترک و توان استنتاج تکیه کرد (Tawfiq & Najim, 2005: 242)؛ مثلاً در جمله‌هایی مانند «اینجا هوا گرم نیست؟» از شنونده انتظار نمی‌رود که به این پرسش پاسخی زبانی بدهد یا آن را تأیید نماید، بلکه هدف، روشن کردن دستگاه تهبویه و یا کولر و دیگر ابزار موجود و یا تلاش برای این کار است. البته به نظر می‌رسد که بافت و فضای گفتگو نیز در چنین مواردی، عاملی مساعد برای دریافت پیام به شمار می‌رود. باید این نکته را نیز مد نظر قرار داد که چنین طلب‌هایی که به صورت استفهامی و غیر مستقیم به کار می‌روند، نشان‌دهنده پرهیز گوینده از مستقیم‌گویی و احترام به طرف مقابل یا اهداف دیگر است. به عبارت دیگر، با توجه به همین امور است که بر اساس مطالب آتی در زمینه تشریح انواع پرسش‌ها، در بسیاری از موارد می‌توان با استفاده از پرسش‌ها، ساختارها و فاصله‌های اجتماعی را نیز در جهت دسترسی به مقصودهای دیگر، موقتاً به فراموشی سپرد.

اهداف و کارکردهای پرسش

به طور کلی پرسش‌ها، کارکردها و مقاصد مختلفی را دنبال می‌کنند که این امر نیز به نوبه خود، وابسته به نوع پرسش‌هایی است که مطرح می‌شود. در قسمت بعد، به نوع پرسش‌ها اشاره بیشتری خواهد شد، ولی در زمینه اهداف و کارکرد آنان باید گفت که با توجه به استفاده از پرسش در بافت اجتماعی و تعاملات انسانی، کارکردهای متعددی نیز برای آن‌ها متصور است. با توجه به این مطالب، اُون هارجی و همکاران موارد زیر را کارکردهای اصلی پرسش می‌دانند (۱۳۹۲: ۱۱۳):

- کسب اطلاعات
- کنترل تعامل
- ایجاد علاقه و کنجکاوی
- تشخیص مشکلات طرف مقابل
- ابراز علاقه به طرف مقابل
- تعیین نگرش‌ها، احساسات و عقاید طرف مقابل
- به حداکثر رساندن فعالیت طرف مقابل
- سنجش میزان دانش پاسخ‌دهندگان
- تشویق تفکر انتقادی و ارزیابی
- ابلاغ انتظار برای مشارکت بیشتر در بحث
- تشویق اعضای گروه به ابراز نظر در مورد پاسخ‌های دیگران
- جلب توجه اعضای گروه از طریق پرسش‌های غیر مترقبه.

پرسش‌های بلاغی

پرسش‌های بلاغی یا هنری در برابر پرسش‌های حقیقی که برای دریافت اطلاعات به کار می‌روند، کاربرد دارند (کزازی، ۱۳۹۱: ۲۰۶) و با توجه به اهمیتی که این نوع پرسش‌ها در گستره زبان و ادبیات به خود اختصاص داده‌اند، بیشتر به آن‌ها پرداخته می‌شود. اگرچه پرسش‌های بلاغی تا حدودی شبیه به پرسش‌های تسجیلی در دسته‌بندی اُون

هارجی و همکاران است، پرداختن به آن نیازمند توجه به محدوده وسیع‌تری است. تعریف‌های متعددی از این پرسش‌ها شده است اما کورنلیا ایلی به عنوان یکی از منابع مهم پژوهش‌های پس از خود، تعاریف قبلی از پرسش‌های بلاغی را کافی نمی‌داند و آن‌ها را ناظر بر بعد نحوی و معنایی این نوع پرسش‌ها می‌داند؛ تعاریفی که از جنبه کاربردشناسی آن‌ها غافل‌اند (Ilie, 1994: 45). او با ذکر مشخصه‌هایی برای پرسش‌های بلاغی، نکات مهمی را درباره آن‌ها بیان می‌کند. ابتدا به مشخصه‌های پرسش‌های بلاغی پرداخته می‌شود:

- مغایرت میان شکل استفهامی پرسش‌های بلاغی و کارکرد ارتباطی آن‌ها به عنوان یک گزاره.

- جابه‌جایی دوسویه میان پرسش بلاغی و گزاره نهفته در آن.

- تلویحی و انحصاری بودن پاسخ به پرسش بلاغی.

- مشارکت و تلاش‌گوینده در ارائه یک پاسخ ضمنی.

- کاربرد چندمنظوره پرسش بلاغی که حاکی از ظرفیت و توان بالای این پرسش‌هاست؛

کاربردهایی نظیر چالش، هشدار، سرزنش، مخالفت، قول، تبرئه، اتهام و ...

وی سرانجام به این نتیجه می‌رسد که:

- پرسش‌های بلاغی تنها قابل ذکرند و نمی‌توان آن‌ها را گزارش داد یا تشریح کرد.

- پرسش‌های بلاغی می‌توانند با پاسخ‌های حاکی از موافقت یا مخالفت همراه شوند.

- پرسش‌های بلاغی می‌توانند به عنوان پاسخ‌های معتبری برای پرسش‌های صریح

عمل کنند.

- پرسش‌های بلاغی با کارکرد پاسخ، به عنوان استدلال تفسیر می‌شوند (Ibid.).

بنابراین در نهایت او چنین تعریفی از پرسش بلاغی ارائه می‌دهد: پرسش بلاغی

پرسشی است که به عنوان یک گزاره چالشی عمل می‌کند و دربردارنده مشارکت و

تلاش‌گوینده در جهت انتقال پاسخ ضمنی آن است تا به این ترتیب، موجب شناسایی،

پذیرش و آشکاری بالقوه یا بالفعل آن در ذهن مخاطب شود (Ibid.: 128).

کاربرد پرسش بلاغی در زمینه استدلال و انتقال مفاهیم آموزشی، کاملاً طبیعی و

به صورت یک نیاز شدید و عمده به نظر می‌رسد. البته به غیر از این موارد، کاربردهای

دیگری نیز برای پرسش‌های بلاغی یافت می‌شود؛ برای مثال، آن‌ها کاربردهای بلاغی نظیر بیان احساسات شدید خشونت، احساسات آتشین برآشفتگی، کاربردهای سبکی نظیر استفاده از آن‌ها در نثر، کاربرد در تشویق و همانند آنچه که گفته شد یعنی اقناع، کاربردهای ارتباطی در زندگی روزمره افراد و کاربردهای گرامری مثل تمرکز موضوعی در یک متن، نظم واژگانی، ساخت مجهول و... (Abioye, 2009: 3).

در این میان، انواعی متعدد را برای پرسش‌های بلاغی می‌توان در نظر گرفت. در وهله اول می‌توان پرسش‌های بلاغی را با توجه به ساخت و پاسخ متصور بر آن‌ها یعنی از نظر شکلی به دو دسته بله یا خیر تقسیم کرد. به عبارت دیگر، این پرسش‌ها از نظر نحوی و دستوری برای ترجیح پاسخ‌هایی که یکی از دو گزینه بله یا خیر را تأیید می‌کنند، طراحی شده‌اند (Koshik, 2005: 10)، اما این پرسش‌ها نیز به نوبه خود می‌توانند به عنوان یک گزاره چالشی عمل کنند و حاوی پاسخ ارائه شده در بطن آن نیز باشند. این نوع پرسش‌ها در برابر پرسش‌های باز مطرح شده‌اند که منظور از آن‌ها در بردارندگی طیف وسیعی از پاسخ به آن است (Janoschka, 2004: 131). در این میان به نظر می‌رسد که برای تبیین مقصود کوشیک از پاسخ‌های ترجیحی، باید درباره آن توضیح مختصری ارائه شود. از نظر او، برخی از پرسش‌های بلی یا خیر، یکی از دو گزینه مثبت یا منفی را ترجیح می‌دهند. این پاسخ‌ها با کنشی که قسمت اول (بیان شده در ابتدای کلام) به دنبال آن است، مطابقت و همخوانی دارند؛ مثلاً ارزیابی‌ها یا برآوردها بیشتر موافقت با آن‌ها را می‌پسندند، پیشنهادها بیشتر پذیرش را ترجیح می‌دهند و درخواست‌ها نیز برآورده ساختن آن‌ها را در ارجحیت قرار می‌دهند (Koshik, 2005: 10).

پرسشگری خالق از مخلوق در قرآن کریم

اگرچه پرسشگری خداوند در قرآن کریم در امتداد پرسش‌هایی است که پیامبران از دیگر مخلوقات و یا از خود خداوند داشته‌اند و در مواردی نیز با پرسش‌های مطرح شده توسط مخلوقات نیز ارتباط مستقیمی دارد، در این مقاله مقصود از پرسش‌های خالق از مخلوق، پرسش‌هایی است که گوینده و مطرح‌کننده آن‌ها شخص پروردگار باشد. به عبارت دیگر، فاعل صریح آن خداوند بوده یا از جانب او آموزش داده شده باشد.

البته در مواردی که گوینده مجهول است و فاعل‌های متعددی برای یک جمله قابل تصور است، اولویت به قرینه بافتی داده شده و نظر مفسران در این زمینه لحاظ شده است؛ برای مثال، در آیه «وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ» (احقاف/ ۳۴) (و روزی که کافران بر آتش عرضه می‌شوند، آیا این حقیقت نیست؟ می‌گویند: به پروردگاران قسم آری. می‌گوید: پس عذاب را به خاطر کفرتان بچشید)، اگرچه فاعل صراحتاً ذکر نشده، با توجه به اینکه اسم ظاهر قبل از آن خداوند است، این آیه را بر اساس دلالت بافت می‌توان در این حوزه قلمداد کرد یا آیه «أَلَمْ تَرَ أَنفَعَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا» (نوح/ ۱۵) (مگر ندیدید که چگونه خداوند هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید؟) از نظر بیشتر مفسران، ادامه کلام حضرت نوح است، اما برخی از مفسران همانند شیخ طوسی در التبیان فی تفسیر القرآن، آن را در زمره قول مستقیم خداوند به حساب آورده‌اند (بی‌تا: ۱۰/۱۳۷).

گفتنی است که در این مطالعه، ذکر ادات پرسشی در آیه مورد نظر نیز از دیگر معیارهای احتساب آیات بوده که به این ترتیب حدود ۱۱ درصد از قرآن کریم، در محدوده این پژوهش قرار گرفت. با توجه به این مطالب و محتوا و مضمون آیات حاوی پرسش‌های خداوندی، می‌توان آن‌ها را در چند دسته کلان قرار داد. البته این تقسیم‌بندی به معنای جامعیت برای همه آن‌ها نیست؛ زیرا ممکن است که برخی از آن‌ها در این چارچوب قرار نگیرند و به صورت موردی بیانگر موضوعی دیگر باشند. با این حال می‌توان گفت که برخی از آن‌ها از باورها و اعتقادات سخن می‌گویند؛ به این معنا که دسته‌ای از آیات پرسشی خالق از مخلوق در قرآن کریم، از باورها و اعتقادات انسان سخن می‌گویند و تلاش دارند که با بیان پاره‌ای از استدلال‌ها و توضیحات در قالب پرسش، فکر مخاطب را در جهت تفکر توحیدی قرار دهند. از جمله این باورها که سهم والایی را در گفتمان قرآنی (اعم از جمله‌های خبری، امری و...) به خود اختصاص داده‌اند، صحبت از وحدانیت و قدرت خداوند متعال و ویژگی‌های او (نحل/ ۱۷؛ واقعه/ ۶۸-۷۲) و سپس اثبات معاد (یس/ ۸۱؛ قیامت/ ۳) است.

دسته‌ای از این آیات هم از نبوت سخن گفته و بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (اسراء/ ۹۳؛ انبیاء/ ۱۰؛ قمر/ ۱۷) یا جلوه‌هایی از قیامت (واقعه/ ۸-۹؛ قارعه/ ۱-۳) تأکید

می‌کنند. دسته‌ای دیگر از آیاتِ حاوی پرسش‌های خالق از مخلوق، به منشأ خلقت انسان، نقاط ضعف او و ریشه‌یابی رفتار اشتباه وی می‌پردازند (عبس/ ۱۷-۱۸؛ طارق/ ۵-۶؛ انفطار/ ۶). دسته‌ای دیگر از این آیات نیز بازنمایی ارزش‌های والای بشری هستند؛ ارزش‌هایی مثل آزادگی از هر چه غیر خداوند است (زمر/ ۶۴)، خیرخواهی (یس/ ۶۰)، صدق و کذب (بقره/ ۴۴؛ نساء/ ۸۷)، عدالت (قلم/ ۳۵)، عشق و محبت (آل عمران/ ۱۳۵؛ زمر/ ۳۶). برخی نیز هنجارهای زندگی و قوانین حاکم بر آن یا طبیعت را بیان می‌کنند (حجرات/ ۱۲؛ بقره/ ۲۱۴). برخی نیز مشتمل بر تهدیدها و هشدارهایی به مخالفان و کافران هستند (زمر/ ۳۲). گوینده در این دسته از آیات، ارزش‌های کافران را نیز زیر سؤال می‌برد.

بر خلاف این موارد، دسته‌ای از آیات مذکور نیز بر تشویق مخاطب به انجام سلسله‌ای امور از جمله تحقیق و تدبیر تأکید دارند (مطففین/ ۱۹؛ غاشیه/ ۲۶). برخی دیگر از این آیات هم بر طرح نکات و جلب نظر مخاطب تکیه دارند (بقره/ ۲۴۳ و ۲۴۶). در همین حال، برخی از این آیات نیز از رفتار مؤمنان اظهار ناخرسندی و آنان را توبیخ می‌کنند و راه و رسم زندگی درست را به آنان می‌آموزند (بقره/ ۷۵).

پرسشگری خداوند در سوره یس

با توجه به جایگاه مهم سوره یس در معارف اسلامی و نیز محتوای گیرا و ارزشمند آن، بررسی مقوله پرسشگری خداوند در این سوره خالی از فایده نیست؛ به ویژه اینکه سوره یس قلب قرآن دانسته شده است (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۶۳/۱۷). این تأمل می‌تواند در راستای فهم خط سیر کلی سوره مذکور ارزشمند بوده و تا حدود زیادی به شناخت بیشتر مفاهیم و جایگاه والای آن کمک کند.

محتوای کلی سوره یس، بیان سه مورد از اصول دین، شامل نبوت و پذیرش دعوت پیامبر از طرف مردم، توحید و معاد است (همان: ۶۲/۱۷). اکنون با بررسی جزئی‌تر آیاتی که در چارچوب بحث قرار دارند، میزان همنوایی آن‌ها با محورهای ذکرشده برای این سوره‌ها و دیگر جنبه‌های متصور بر این پرسش‌ها بررسی می‌شود.

آیات پریشی خالق از مخلوق

شماره	سوره	مکی / مدنی	ترتیب نزول	شماره آیات	مجموع
۳۶	یس	مکی	۴۱	۱۰، ۳۱، ۳۵، ۶۰، ۶۲، ۶۶، ۶۸، ۷۱، ۷۳، ۷۷، ۸۱	۱۱

ادات پریشی به کاررفته در آیات حاوی پریش خالق از مخلوق

سوره	أم	اُئی	اُئی	این	کم	ایان	ما	متی	من	کیف	هل	همزه	مجموع
یس	۱ (در ترکیب با همزه استفهام و نه به طور مستقل)	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰	۱۳

آیات پریشی سوره یس برای سهولت بیشتر ذکر می‌شوند:

- «وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (یس / ۱۰)؛ و هشدار دادن یا ندادن ایشان

یکسان است و ایمان نمی‌آورند.

از نظر مطالب گفته‌شده در بلاغت عربی، می‌توان گفت که این آیه، حاوی استفهام موسوم به تسویه همراه با کلمه «أم» به معنای «و او» است (ابن عاشور، ۱۹۹۸: ۲۲/۲۲۱). همان گونه که مشاهده می‌شود، «أم» متصله است که بر خلاف «أم» منقطعه، به طور مستقل ادات پریشی محسوب نمی‌شود. بنا به نظر عبدالقاهر جرجانی در این آیه و آیات دیگری که همزه در آن‌ها به کار رفته، فعلی ذکر شده که گوینده، فعل جمله را در محل پریش قرار داده است (۱۹۸۹: ۱۱۱). به عبارت دیگر، گوینده ایجاد تصدیق یعنی ادراک نسبت در مورد حاصل شدن چیزی و یا حاصل نشدن آن را مدنظر قرار داده است (سکاکي، ۱۹۸۷: ۳۰۸-۳۱۰). در تصدیق، سخن از درک نسبت به گونه‌ای است که گوینده درباره چیزی که در مورد آن استفهام یا پریش صورت می‌گیرد، خالی‌الذهن باشد و بلی یا خیر در پاسخ آن گفته شود (قاسم و دیب، ۲۰۰۳: ۲۹۴).

اگرچه زمخشری این نوع استفهام را خبری می‌داند (۱۹۹۸: ۱/۱۶۳)، می‌توان آن را حاصل از ترکیب دو سؤال بلی یا خیر دانست؛ به این صورت که: «اگر آنان را بیم دهی سودی دارد؟ اگر آنان را بیم ندهی سودی دارد؟». در این آیه به یکسان بودن هشدار دادن و ندادن آن اشاره شده است. آیه مذکور، نگاهی نقادانه به مقوله پندپذیری انسان دارد و خصوصیت پندناپذیری برخی از آنان را بیان می‌کند.

این پرسش به عنوان یک گزاره چالشی عمل می‌کند و حاوی پاسخ ارائه‌شده در بطن آن نیز هست؛ زیرا جواب آن در متن آیه، مشخص است. قالبی تعلیمی هنری دارد و جنبه ناقدانه و اصلاحی را در آن می‌توان دید.

همان گونه که مشاهده می‌شود، گوینده با بیان جنبه‌ای از ذات خود که بر آگاهی و اشراف خویش بر همه مسائل تصریح دارد، کلام را از زاویه قدرتی برتر مطرح ساخته و حکمی قطعی درباره افراد مورد بحث صادر کرده، به طوری که هشدار دادن یا ندادن را یکسان دانسته است. علم گوینده به هر دو صورت (انجام دادن یا ندادن) فعل در کنار ساخت جمله و فضای حاکم بر آن، به وضوح بیانگر قدرت و موضع برتر او نسبت به مخاطب است. در این نوع پرسش، قدرت و سلطه پرسشگر بر مخاطب را می‌توان به وضوح در صدور حکم قطعی درباره افراد مورد بحث آیه مشاهده کرد. به علاوه مشاهده می‌شود که این آیه با چنین ساختی که از آن به عنوان استفهامی یاد می‌شود، در میان آیاتی قرار گرفته که به توصیف دیگر جنبه‌های افراد غافل و بی‌بهره از هشدار می‌پردازد و به عبارتی، گفتمان حاکم بر آن‌ها یکی است.

- ﴿الْمُرُؤَاتُ كُنَّ أَهْلَكُنَّ قَبْلَهُنَّ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُنَّ الْيَهُودُ لَا يَرْجُونَ﴾ (یس / ۳۱)؛ آیا ندیدند که چه نسل‌هایی پیش از آنان را هلاک کردیم؟! مسلماً آن هلاک‌شدگان به سمت آنان [مخاطبان این آیه] باز نمی‌گردند.

استفهام ذکرشده برای این آیه، انکاری یا تقریری است (ابن عاشور، ۱۹۹۸: ۲۲/۲۲۲) که با توجه به نظر عبدالقاهر درباره همزه، فعل جمله یعنی دیدن یا به عبارتی عبرت گرفتن مورد پرسش قرار گرفته و تصدیق به کار رفته است. لازم به ذکر است که در این آیه، واژه «کم» را استفهامی نیز گرفته‌اند (درویش، ۱۴۱۵: ۱۹۴/۸). در این صورت، گوینده از تصور و نه نسبت، پرسش به عمل آورده است (سکاکي، ۱۹۸۷: ۳۱۰).

در این آیه، ارتباطی گفتمانی میان آن و آیه قبل برقرار است؛ زیرا در آیه قبل، گوینده به حال انسان تأسف می‌خورد و در این آیه نیز با استفاده از ساخت استفهامی که جواب ترجیحی آن بلی است، رفتار عده‌ای از افراد بشر را به چالش کشیده شده است؛ زیرا این نوع انسان‌ها، قطعاً شاهد نتایج یا روایت‌هایی از گذشته بوده و دانسته‌اند که اقوام پیش از آنان به دستور خداوند هلاک شده‌اند. در صورت تسری دادن فضای

حاکم بر آیه قبل یعنی تأسف بر حال بشر و محبتی که به بشر در آن دیده می‌شود، این سؤال نیز نوعی مؤاخذه (با کاربرد «ألم») همراه با محبت و البته تحکم را تداعی می‌کند که حاکی از تبیین مناسبات قدرت میان گوینده و شنونده است؛ زیرا گوینده با نسبت دادن هلاک شدن اقوام پیشین به خود، قدرت بی‌شائبه‌اش را به نمایش می‌گذارد.

- ﴿لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ (یس / ۳۵)؛ تا از میوه آن و از دسترنج خودشان بخورند. پس آیا شکرگزاری نمی‌کنند؟

این آیه حاوی استفهام انکاری (ابن عاشور، ۱۹۹۸: ۲۲۶/۲۲) و تصدیق است. پرسش ذکرشده در آن نیز ﴿أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ است که بعد از ذکر نمونه‌هایی از نعمت‌های خداوند مطرح شده و اصولاً نفسِ فعلِ شکرگزاری مورد پرسش واقع و بر آن تأکید شده است. به عبارت دیگر، گوینده در کلام خود تصدیق به کار برده است. در این آیه نیز پاسخ ترجیحی، «بله» به شمار می‌رود؛ یعنی اینکه با توجه به مطالب یادآوری شده برای مخاطب، انتظاری جز شکرگزاری از مخاطب نمی‌رود. به این ترتیب می‌توان گفت که پرسش مطرح شده، جنبه آموزش شکرگزاری به مخاطب پیدا کرده است؛ امری که با ذکر مطالب قبلی به عنوان مقدمه، بدیهی به نظر می‌رسد. همچنین مناسبات قدرت میان خداوند به عنوان آفریننده این نعمت‌ها به عنوان دارنده قدرت برتر، با مخلوقی که از این نعمت‌ها استفاده می‌کند، برقرار شده است و به نوعی قدرت به کاررفته در این پرسش اشاره می‌کند. چنین مطلبی را می‌توان از گفتمان بخش‌های قبلی پرسش مذکور درک کرد.

- ﴿أَلَمْ نَعْهِدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (یس / ۶۰)؛ ای فرزندان آدم، مگر به شما سفارش نکردم که شیطان را نپرستید؛ زیرا او دشمنی آشکار برای شماست؟

آیه فوق، دارای استفهام تقریری در مقام توییح است (همان: ۲۵۳/۲۲). گوینده فعل سفارش کردن را محل پرسش قرار داده (تصدیق به کار برده است) و در واقع اطلاعات قبلی او را مورد یادآوری قرار می‌دهد. همچنین جواب ترجیحی که برای این پرسش در نظر گرفته شده، «بله» به شمار می‌رود. این پرسش حاکی از قدرت تمام‌عیار پرسشگر است؛ زیرا اولاً علم به خصومت شیطان داشته و سپس انسان را از آن بر حذر داشته است که نمایانگر محبت و علاقمندی او به سرنوشت انسان است. به علاوه با توجه به

آیات پیش و بعد از آن، این قدرت که با توبیخ و مواخذه (کاربرد «ألم») همراه است، تجلی بیشتری پیدا می‌کند.

- ﴿وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ﴾ (یس / ۶۲) و [شیطان] بسیاری از شما را گمراه کرد. پس آیا نمی‌اندیشید؟

پرسش مذکور در این آیه، در بردارنده استفهام انکاری (همان: ۲۵۵/۲۲) و تصدیق است. می‌توان همان برداشت ذکر شده در آیه قبل را درباره آن صحیح دانست؛ یعنی جواب ترجیحی آن «بله» و نمایانگر مناسبات قدرت از بالا به پایین است. البته به نظر می‌رسد که در این پرسش، صرفاً یادآوری اطلاعات مدنظر نبوده، بلکه گوینده به گونه‌ای پرسش را مطرح کرده که مخاطب به فرایندهای عالی‌تر ذهنی متوسل شده، اطلاعات خود را پردازش نماید و خود قضاوت کند که آیا تعقل می‌کرده است یا نه. این پرسش نیز همانند آیات دیگر، جدا از یافت و گفتمان دیگر بخش‌های این آیه و آیات قبل نیست. به نظر می‌رسد که جواب ترجیحی این پرسش نیز پذیرش کوتاهی در تعقل، در زندگی دنیوی باشد. البته گوینده با رویکردی اصلاح‌طلبانه، پرسش آینده را به عنوان هشدار برای مخاطبان زنده کنونی مطرح کرده است تا آنان را در فرصت زندگی، به تعقل ترغیب نماید. در واقع، جنبه تعلیمی و آموزش‌مطلبی درباره دوری کردن انسان از شیطان را می‌توان در این پرسش هنری - ارشادی مشاهده کرد.

- ﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ﴾ (یس / ۶۶)؛ و اگر بخواهیم، چشمان آنان را محو و نابینا می‌کنیم [تا نتوانند جایی را ببینند]، پس آنگاه در بینموندن پل صراط از هم سبقت گیرند اما [در آن هنگام] چگونه [راه را] مشاهده خواهند کرد؟ استفهام این آیه، انکاری گفته شده است (همان: ۲۵۸/۲۲ و ۲۶۰). «أَنَّى» به معنای «چگونه» یا «کجاست» که گوینده با به تصویر کشیدن حالت کافران در قیامت و چشم‌بسته راه رفتنشان بر مسیر صراط، باز هم توانایی خود را به رخ مخاطب می‌کشد. این ادات مخصوص تصور است (سکاکی، ۱۹۸۷: ۳۱۰). پاسخ ترجیحی آن نیز تصدیق قدرت الهی و ناتوانی آنان در راه رفتن بر مسیر صراط با این شرایط است. بنابراین پرسش مذکور نیز مناسبات قدرت میان گوینده و مخاطب را به وضوح از بالا به پایین تبیین کرده است. گفتنی است که پرسش مطرح شده، جنبه پردازش اطلاعات را دارد؛

یعنی گوینده از مخاطب می‌خواهد که خود قضاوت کند که با از بین بردن قدرت بینایی یک مخلوق توسط خالق قدرتمند و آفریننده این قوه، آیا او می‌تواند جایی را ببیند و راهی را طی کند؟ در بطن این پرسش، آموزش همین مطلب توحیدی به مخاطب نهفته است.

- ﴿وَمَنْ نَعْمَرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ (یس / ۶۸)؛ و آن کس را که عمر افزون

می‌دهیم، خلقت او را نیز دچار فرسودگی می‌کنیم. پس آیا نمی‌اندیشند؟

استفهام ذکرشده برای این آیه نیز انکاری (ابن عاشور، ۱۹۹۸: ۲۵۸/۲۲ و ۲۶۰) و حاوی تصدیق است. همچنان که دیده می‌شود، محوریت گفتمان در آیهٔ قبلی، قدرت آفریننده برای برپایی معاد و توصیف ماجرای از آن بود. اما در این آیه اگرچه امتداد همان محور قدرت مشاهده می‌شود و به نوعی می‌توان این آیه را نیز استدلالی برای معاد دانست، به صورت ظریف‌تر، سخن به سوی زندگی دنیوی و تحولات آن، تغییر مسیر داده است. پرسشی هم که مطرح شده کاملاً منسجم با همین رویکرد است و جنبهٔ پردازش اطلاعات در آن نهفته است تا مخاطب را به فکر و تحلیل وادارد. به عبارت دیگر در این نوع پرسش، بدیهی بودن تعقل و اندیشیدن در حکمت الهی پیرامون دگرگون شدن خلقت با مرور زمان ذکر و بر آن تأکید شده است. مناسبات قدرت میان گوینده و مخاطب از بالا به پایین برقرار شده است. این پرسش هنری، جنبهٔ آموزش نیز دارد و به مخاطب می‌فهماند کسی که توان دگرگون کردن خلقت و فرسودن آن را دارد، می‌تواند معاد را نیز برپا کند. لازم به ذکر است که به طور خاص تصمیم‌گیری دربارهٔ این نکته، با گفتمان حاکم بر گفتمان بخش قبلی پرسش مذکور ارتباطی تنگاتنگ دارد.

- ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِيئَانَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ﴾ (یس / ۷۱)؛ مگر ندیدند که ما از آنچه خویش به وجود آوردیم، دام‌هایی را برای آنان آفریدیم. پس اکنون آنان مالک آن‌ها هستند؟

گفته شده که این آیه، حاوی استفهام انکاری و تعجبی است (همان: ۲۷۱/۲۲). در همین حال، ادات استفهامی بر سر فعل آمده و عمل دیدن، عبرت گرفتن یا مشاهدهٔ نتایج مترتب بر خلق نعمت‌ها را مورد پرسش قرار می‌دهد و به عبارت دیگر، حاکی از

به کار بردن تصدیق در کلام است. پرسش مذکور، بیشتر در صدد یادآوری نعمت‌های خداوند است، هرچند که به دنبال پردازش اطلاعات یادآوری شده برای اثبات قدرت خداوند نیز هست. این پرسش هنری و چالش برانگیز، تأکیدی بر جواب ترجیحی «بله» و بدیهی بودن نعمت‌ها محسوب می‌شود. ساخت پرسشی آیه، یعنی کاربرد «أولم» نمایانگر قدرت برتر و موضع بالاتر گوینده است. این پرسش را نیز می‌توان استدلالی برای تبیین قدرت خداوند در آفرینش و معاد دانست. این موضوع نیز در ارتباط با گفتمان آیات دیگر تبیین می‌شود.

— ﴿وَلَمْ يَهْتَمِمْ فِيمَا نَفَعْتُمْ وَلَا تَشْكُرُونَ﴾ (یس / ۷۳): و برای ایشان در آن‌ها منافع و

نوشیدنی‌هایی وجود دارد. پس آیا شکرگزار نیستند؟

این آیه حاوی استفهام تعجبی است (همان: ۲۲/۲۷۳-۲۷۴). همچنین با قرار گرفتن ادات پرسشی بر سر فعل، عمل شکرگزاری مورد پرسش قرار گرفته و حاوی تصدیق در کلام است. گوینده صرف نظر از خالی‌الذهن بودن در هنگام طرح چنین پرسش هنری، آن را به اهداف متعدد در کلام خود ذکر کرده است. با نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت که این آیه پرسشی در امتداد گفتمان آیات نزدیک به آن، یعنی شمارش نعمت‌های الهی در جهت تبیین قدرت پروردگار قرار دارد و به نوعی می‌توان آن را استدلالی برای این امر دانست. در واقع گوینده با یادآوری نعمت خود، مخاطب را به شکرگزاری ترغیب می‌کند؛ به ویژه آنکه جواب ترجیحی برای چنین پرسش هنری، موافقت با شکرگزاری و بدیهی بودن آن است و گوینده به این ترتیب، جنبه تعلیمی به پرسش خود می‌دهد. با مدنظر قرار دادن مفهوم «تعجب» می‌توان این نکته را دریافت که گوینده با نگاهی انتقادی و اصلاح طلبانه، از رفتار مخاطب در عدم شکرگزاری ابراز ناخرسندی می‌کند.

— ﴿أَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ﴾ (یس / ۷۷): و مگر انسان ندید که ما

او را از نطفه‌ای [ناچیز] آفریدیم اما [با این حال] او به ناگهان، به دشمنی آشکار [برای ما] مبدل شده است.

این آیه نیز همانند آیه قبل، حاوی استفهام تعجبی است (همان) و در آن، فعل دیدن که می‌تواند به معنای مشاهده پیامدها یا عبرت گرفتن نیز باشد، در محل پرسش قرار

گرفته و در کلام، تصدیق به کار رفته است. در این راستا، خالی‌الذهن بودن گوینده مطرح نیست، بلکه او پرسشی هنری عنوان نموده تا اهدافی متعدد را محقق سازد؛ از جمله اینکه به مخاطب این نکته را آموزش می‌دهد که با این گذشته پست، انسان نباید در برابر خداوند به عنوان دارنده قدرت برتر بایستد و اجازه دهد که کبر و غرور، وی را از اصل خود غافل نماید، به ویژه آنکه جواب ترجیحی این پرسش نیز تصدیق دیدن این امور است. به علاوه، این آیه پرسشی را می‌توان در حکم استدلالی برای قدرت الهی به ویژه برای بیان پاسخ به پرسشی از طرف مخلوق درباره امکان معاد دانست. این پرسش، یادآور است و با توجه به گفتمان حاکم بر آیه قبل که بر علم بی‌بدیل الهی در آگاهی از آشکار و پنهان‌بندگان و دل‌داری به پیامبر اشاره دارد، می‌توان با توجه به کاربرد «اولم» آن را نشان‌دهنده قدرت برتر گوینده و نیز حاوی مؤاخذه دانست. این برداشت در نوع ترجمه به عمل آمده از آیه یعنی کاربرد واژه «مگر» قابل مشاهده است. - «أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (یس / ۸۱)؛ آیا آن کس که آسمان‌ها و زمین را آفرید، قادر نیست که همانند آن‌ها را بیافریند؟ بله و او آفریننده‌ای داناست.

گفته شده که این آیه، دارای استفهامی تقریری است (همان: ۲۲/۲۸۰). ادات استفهامی بر سر فعل «لیس» آورده شده و با توجه به خبر «لیس»، قادر بودن یا نبودن خداوند محل پرسش قرار گرفته و در کلام، تصدیق به کار رفته است. خالی‌الذهن بودن گوینده مدنظر نیست، بلکه او با ذکر جلوه‌ای از توانایی خود، پرسشی هنری مطرح کرده که با توجه به اهمیت آن، خود نیز پاسخ این پرسش را ذکر نموده است. او بر جواب ترجیحی مدنظر تأکید نموده و صفتی متناسب با آن را در انتهای آیه به کار برده است. در این آیه، قسمت پرسشی را می‌توان به مثابه استدلالی برای قدرت خداوند تصور کرد که البته جنبه پردازشی آن، در کنار بُعد آموزشی در زمینه تبیین باورهای توحیدی برای مخاطب قرار گرفته است.

به این ترتیب گوینده در سوره یس طی ۱۱ آیه پرسشی، به نوعی بر فعل تأکید کرده و سخن خود را در قالب طرح پرسشی هنری از مخاطب این آیات، به ترتیب بر انداز یا عدم انداز، رؤیت به معنای دیدن و عبرت گرفتن (۳ بار)، شکر (۲ بار)، عهد گرفتن و

سفارش کردن، اندیشیدن (۲ بار) و قدرت متمرکز کرده است. به علاوه، گوینده در آیات ۳۱ و ۶۶ با استفاده از ادات «کم» و «آئی» که صرفاً برای تصورند (سکاکی، ۱۹۸۷: ۳۱۰)، هلاک کردن نسل‌های پیشین و بصیرت داشتن (دیدن ظاهری و بصیرت باطنی) را در معرض تأکید قرار داده است.

شایان ذکر است که از منظر علوم جدید زبانی، توضیح و اقامهٔ برهان و استدلال برای مخاطبان، نمودی از احترام گوینده به خرد مخاطب و پردازش اطلاعات توسط آنان است؛ امری که در این گونه آیات، جلوه‌ای تام دارد و حاکی از ادب‌ورزی خداوند نسبت به بندگان است. این مسئله با توجه به اصول مطرح‌شده توسط براون و لوینسون قابل مشاهده است (Brown & Levinson, 2010: 128). تصریح و راهبرد ادب‌ورزی نهفته در آن نیز که از نوع bald on records یا همان مستقیم‌گویی و صراحت است، در این رابطه نمود می‌یابد (Brown & Levinson, 1987: 94).

خط سیر این پرسش‌ها در این ۱۱ آیه عبارت‌اند از:

- حق‌پذیری و شرایط روحی روانی برخی از مردم پس از ابلاغ پیام رسالت به آنان،
- تأیید قدرت خداوند در انتقام‌گیری از نسل‌های گذشته،
- لزوم شکرگزاری از نعمت‌های خداوند با توجه به نعمت‌های او و تأکید مجدد بر قدرتش،

- تأکید بر رسالت و ابلاغ پیام الهی در دنیا مبنی بر دوری از شیطان،

- تأکید بر قدرت اندیشهٔ انسان و توانایی تدبیر در امور (زمان آن سپری شده است. گوینده بعد از زندگی دنیایی این امر را یادآوری می‌کند که البته مخاطب آن هنوز فرصت اجرا نمودن این تجربه را دارد)،

- تأکید بر معاد و سزای اعمال بدکاران و تأکید بر قدرت الهی،

- تأکید بر قدرت اندیشهٔ انسان و توانایی تدبیر در امور (زمان آن سپری نشده و با فعل مضارع آمده است)،

- یادآوری قدرت خداوند در خلقت چهارپایان و ذکر این نعمت برای انسان،

- یادآوری منافع دام برای انسان و لزوم شکرگزاری برای آن،

- یادآوری منشأ ناچیز خلقت آدمی و تقابل آن با منشأ قدرت؛ ایجاد پارادوکسی میان

آنها با اشاره ضمنی به کبر و غرور،

- اشاره به پیچیدگی خلقت آسمان‌ها و زمین و توانایی خداوند در آفرینش مجدد آنها (استدلال برای بیان معاد).

به این ترتیب به نظر می‌رسد که یاد کردن از این گونه پرسش‌ها با به کار بردن واژه «استفهام»، چندان صحیح نیست؛ زیرا استفهام از نظر لغوی، طلب فهم کردن درباره چیزی است. در همین زمینه صاحبی معتقد است که استفهام همان استخبار به معنای طلب خبر است (ابن فارس، ۱۹۹۷: ۱۳۴؛ عکاوی، ۲۰۰۶: ۱۲۲). سیوطی نیز چنین نظری دارد (۱۹۹۸: ۳۲۷). اما برخی نیز میان آنها تفاوت قائل شده‌اند؛ مثلاً ابن فارس عنوان کرده که استخبار به معنای چیزی است که اول نسبت به آن علم وجود داشته، ولی به خوبی فهمیده نشده است و اگر دوباره از آن پرسیده شود، آنگاه عمل استفهام اتفاق می‌افتد (ابن فارس، ۱۹۹۷: ۱۳۴).

به این ترتیب می‌توان گفت که هرچند در بحث بلاغت با اشاره به خارج شدن استفهام از معنای اصلی خود، به غرض‌های متعدد آن اشاره و از استفهام‌هایی نظیر استفهام انکاری و تبکیت و... یاد می‌شود، نباید از واژه استفهام درباره آنها استفاده کرد. واژه‌ای که در فارسی برای این نوع پرسش‌ها - که هدف از آنها دریافت اطلاعات نیست بلکه در واقع مقاصد دیگری از جمله آموزش مطالب یا تحریک مخاطب به انجام دادن کاری و... را دنبال می‌کند- پیشنهاد می‌شود، همان نظر کزازی، یعنی عبارت پرسش هنری است. در عربی هم به نظر می‌رسد که گزینه مناسب برای این نوع پرسش‌ها، «السؤال البلاغی» باشد.

نتیجه‌گیری

با بررسی مقوله «پرسش‌های خالق از مخلوق در قرآن کریم» که سؤال اصلی این پژوهش بود، تعداد آیات پرسشی با در نظر گرفتن معیارهایی محدود شد؛ از جمله اینکه بیان یا آموزش آنها توسط خداوند باشد، فاعل آنها صراحتاً یا بر اساس بافت (طبق نظر مفسران) پروردگار باشد و اینکه دارای ادات پرسشی باشند. به این ترتیب طی مطالعه این آیات، چند نتیجه حاصل گردید که به آنها اشاره می‌شود:

- پرسش‌هایی با ویژگی‌های یادشده در قرآن کریم، اولین کارکرد پرسش یعنی کسب اطلاعات را ندارند؛ زیرا گوینده مشخصاً برای کسب اطلاع درباره چیزی از انسان پرسش نمی‌کند. این پرسش‌ها در چارچوب پرسش‌های بلاغی قرار دارند که گوینده همانند یک معلم، اهداف متعددی را از طرح آن‌ها دنبال کرده و به عنوان مثال، آن‌ها را برای تعلیم نکات، تأکید بر روی مطالبی یا نفی تأکید بر روی آن‌ها، فرمان دادن و امر به مطلبی خاص و یا واداشتن مخاطب به کنش و واکنشی ویژه مطرح می‌سازد.

همچنین این آیات در چند محور کلی زیر قرار دارند: بیان باورها و اعتقادات از جمله توحید (تبیین ویژگی‌های خداوند متعال)، معاد و نبوت، اشاره به نقاط ضعف انسان و منشأ خلقت او، بازنمایی ارزش‌های والای بشری (مانند آزادی، خیرخواهی، صدق و کذب، عدالت عشق و محبت)، تبیین هنجارهای زندگی و قوانین حاکم بر آن، هشدار و تهدید مخالفان، تشویق مخاطب به انجام سلسله اموری از جمله تحقیق و تدبیر، توبه، انفاق و...، طرح نکات و جلب نظر مخاطب و نیز اظهار ناخرسندی از پاره‌ای رفتار مؤمنان.

- با مروری بر مقوله پرسشگری خداوند در سوره یس می‌توان دریافت که مجموعاً ۱۳ ادات استفهام (با استفهامیه دانستن واژه «کم») در این سوره به کار رفته که ۱۰ مورد آن به همزه اختصاص دارد که در اغلب موارد آن هم ایجاد تصدیق در مورد فعل، مدنظر بوده است. شمار این تصدیق‌ها به ۱۰ مورد می‌رسد. این امر به دلیل نوع کاربرد همزه و انتقال معانی متعدد توسط آن صورت گرفته است. ۵ مورد از این همزه‌ها نیز به همراه حرف «لم» به کار رفته که اولاً بیانگر موضع برتر گوینده نسبت به مخاطب (مناسبات قدرت) و ثانیاً طرح نکات مورد نظر، یادآوری موضوعی و جلب توجه مخاطب بوده است. همچنین صدارت‌طلبی همزه استفهامیه نسبت به حروف دیگر (همانند فاء و واو) در این سوره کاملاً مشهود است.

- به جز آیه ۱۰ که مرکب از دو پرسش بلی یا خیر است، در هر کدام از آیات پرسشی ذکرشده، تنها یک پرسش لحاظ شده است و این بدان معناست که گوینده در پی طرح مطلب و جا افتادن آن در ذهن مخاطب بوده است.

- محور مرکزی پرسش‌های طرح‌شده در این سوره، «استدلال» برای قدرت و بکتایی خداوند و «لزوم شکرگزاری» برای نعمت‌های او، تدبیر و اندیشه در فرمان‌های

پروردگار و امور طبیعی خلقت و نیز امکان برپایی «معاد» است که البته «ابلاغ» پیام رسالت به مردم و برخورد برخی از آنان با این امر که در آیات دیگر توصیف بیشتری از این افراد به عمل آمده است، در این آیات الهی دیده می‌شود.

- این پرسش‌ها هرچند با معنای مستقل، به عنوان مکملی برای دیگر قسمت‌های دیگر سوره و در راستای پیام اصلی آیات مطرح شده‌اند. به عبارت دیگر همه آیات الهی از جمله گفتمان این آیات به هم پیوسته و در ارتباط با یکدیگرند. چرایی این ادعا را می‌توان در همنوایی پرسش‌های به عمل آمده از بشر با خط سیر کلی سوره مشاهده نمود.

نکته مهم آنکه با بررسی محتوایی آیات مذکور در قرآن کریم به طور عام و در سوره یس به طور خاص، می‌توان گفت که خداوند با در نظر گرفتن وجهه و جایگاه انسان، از راهکارهای ادب‌ورزی همانند تصریح، ارائه استدلال و توضیح دادن موضوع‌های مختلف استفاده کرده که البته نوع خطاب قرار دادن (استفاده از شاخصه‌های درون‌گروهی مثل «یا ایها الذین آمنوا») نیز در این زمینه جایگاه والایی دارد. در سوره یس می‌توان این نوع خطاب را در کاربرد کلماتی مثل «یا بنی آدم» به طور ویژه مشاهده کرد.

- تسمیه پرسش‌های مطرح شده از جانب خالق خطاب به مخلوق به نام «استفهام»، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا طبق نظر افرادی مثل صاحبی، مفهوم استفهام طلب فهم کردن بر اساس نیاز گوینده به یک فرد آگاه، برای کسب اطلاع درباره چیزی است. به نظر می‌رسد که چنین موضوعی درباره پرسش‌های کسی که خود علم به موضوع دارد و با اهداف دیگری غیر از کسب اطلاع درباره آن، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند، اتفاق نمی‌افتد. به عبارت دیگر، گوینده با اهدافی همچون آموزش، ترغیب مخاطب به انجام یا ترک عملی و استدلال، آن‌ها را مطرح کرده و چنین امری از اطلاع جامع و اشراف گوینده نسبت به ظرایف زبانی حکایت دارد.

- نوع این پرسش‌ها و استفاده از آن‌ها در لابه‌لای دیگر ساختارهای زبانی، نشان‌دهنده اطلاع گوینده از دانش زبانی و علم به نکات ریز آن است؛ زیرا او با هنرمندی توانسته است پیام‌های متعددی را در ورای طرح پرسش‌های هنری به مخاطب منتقل نماید و از آن برای اهدافی بزرگ‌تر همانند طرح عقیده توحید و معاد و نبوت بهره بگیرد.

کتاب‌شناسی

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنوير*، تونس، الدار التونسية للنشر، ۱۹۹۸ م.
۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد، *الصاحبی فی فقه اللغة العربية و مسائلها و سنن العرب فی کلامها*، تعلیق احمد حسن بسج، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۹۹۷ م.
۳. یمانی، محسن، *تجزیه و تحلیل منظوره‌های ضمنی در مکالمات قرآن مجید*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۶ ش.
۴. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، *دلائل الاعجاز فی علم المعانی*، تعلیق محمود محمد شاکر، قاهره، مکتبه خانجی، ۱۹۸۹ م.
۵. درویش، محی‌الدین، *اعراب القرآن الکریم و بیانه*، الطبعة الرابعة، سوریه، دار الارشاد، ۱۴۱۵ ق.
۶. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، ریاض، مکتبه العیبکان، ۱۹۹۸ م.
۷. سکاکی، ابویعقوب یوسف بن ابی‌بکر محمد بن علی، *مفتاح العلوم*، حاشیه و تعلیق نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۷ م.
۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *معترك الاقران فی اعجاز القرآن*، تصحیح احمد شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۸ م.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۹۷ م.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۱. عکاوی، انعام فؤال، *المعجم المفصل فی علوم البلاغة البدیع و البیان و المعانی*، مراجعة احمد شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶ م.
۱۲. قاسم، محمد احمد و محی‌الدین دیب، *علوم البلاغة (البدیع و البیان و المعانی)*، طرابلس - لبنان، المؤسسة الحديثة للكتاب، ۲۰۰۳ م.
۱۳. کزازی، میرجلال‌الدین، *زیباشناسی سخن پارسی*، چاپ نهم، تهران، کتاب ماد، ۱۳۹۱ ش.
۱۴. هارجی، اُون و همکاران، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی*، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران، رشد، ۱۳۹۲ ش.
۱۵. یوسف، عبدالکریم محمود، *اسلوب الاستفهام فی القرآن الکریم (معرضه - اعرابه)*، دمشق، مکتبه الغزالی، ۲۰۰۰ م.

16. Abioye, Taiwo, "Typology of Rhetorical Questions as a Stylistic Device in Writing", *The International Journal of Language, Society and Culture*, Vol. 29, 2009.
17. Brown, Penelope & Stephen C. Levinson, *Politeness: Some Universals in Language Usage*, Vol. 4, Cambridge, Cambridge University Press, 1987.
18. Dhiman, O. P., *Understanding Education: An Overview*, New Delhi, Kalpaz Publication, 2008.
19. Ilie, Cornelia, *What Else Can I Tell You? A Pragmatic Study of English Rhetorical Questions as Discursive and Argumentative Acts*, Doctoral Dissertation in English at the University of Stockholm, 1994.
20. Janoschka, Anja, *Web Advertising: New Forms of Communication on the Internet*,

- Philadelphia, John Benjamin B.V., 2004.
21. Koshik, Irene, *Beyond Rhetorical Questions: Assertive Questions in Everyday Interaction*, Philadelphia, John Benjamin B.V., 2005.
22. Tawfiq, Marwan Najib & Hala Khalid Najim, "The Illocutionary Forces of Interrogative Structures in English and Arabic", *College of Basic Education Researchers Journal*, Vol. 1, No. 3, University of Mosul, College of Arts, 2005.

